

## بررسی نقش ایدئولوژی از نظر بافت زبانی در ترجمه متون سیاسی نزد رسانه‌های خبری فرانسوی‌زبان

زینب رضوان طلب<sup>۱</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه تهران.

نادیا صدیقی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه تهران.

### چکیده

نقش بافت-زبانی-سیاسی-اجتماعی در درک و دریافت متن، اساسی و انکارناپذیر است. طبق نظریه بافت زبانی، روابط همنشینی و جانیشینی و ساختار نحوی بستر شکل‌گیری معنی را می‌سازند. در این راستا، مترجمان می‌توانند به منظور القای ایدئولوژی و پیام موردنظر خود، طی روند ترجمه متن، از راهبردهای مختلفی برای ایجاد تغییر در بافت آن و در نتیجه در معنای آن استفاده کنند. هدف از تحقیق حاضر بررسی نحوه تأثیرگذاری ایدئولوژی بر روند ترجمه متون سیاسی در رسانه‌های خبری است. بدین منظور، متن سخنرانی دکتر حسن روحانی در خصوص تصمیم ایران برای کاهش تعهدات خود در توافقنامه برجام به‌عنوان متن مبدأ انتخاب شده و ترجمه آن به زبان فرانسه در چند رسانه مکتوب و سایت فرانسوی‌زبان، بر طبق نظریه بافت زبانی مورد تحلیل و واکاوی، قرار گرفته است. مطالعه موردی ترجمه‌های فرانسوی ارائه شده از این متن توسط یک هفته‌نامه، سه روزنامه و دو سایت خبری فرانسوی‌زبان که از میان هر دو طیف راست‌گرا و چپ‌گرا گزینش شده‌اند، مبین نکات جالبی در خصوص کمیت و کیفیت تأثیرات ایدئولوژی و خط‌مشی سیاسی رسانه‌ها بر ترجمه یک متن یا سخن مشخصی است. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که رویه و مواضع سیاسی هر رسانه، بر پایه تکنیک‌های انتخاب واژگان و ساختارهای دستوری، باعث ایجاد تغییراتی در متن از جمله حذف یا تعدیل می‌شود که منتهی به ایجاد متنی در زبان مقصد می‌شود که با هدف و تفکر اولیه مدنظر در متن مبدأ متفاوت و بعضاً حتی در تضاد می‌باشند. **کلیدواژه‌ها:** ترجمه، ایدئولوژی، رسانه، بافت زبانی، رابطه همنشینی و رابطه جانیشینی

## مقدمه

ایدئولوژی از جمله اصطلاحاتی است که در طول زمان، به فراخور تحولات تاریخی، سیاسی و اجتماعی، دستخوش دگرگونی‌های معنایی شده است. همچنان نیز اجماعی در خصوص مفهوم دقیق آن وجود ندارد و متفکران و نویسندگان حوزه‌های مختلف تعاریف متفاوتی را از این واژه مد نظر قرار می‌دهند.

فرهنگ معین واژه ایدئولوژی را این‌گونه تعریف می‌کند: "انواع و اقسام سیستم‌های فکری و فلسفی و من جمله مذهب که به‌نوعی در تعیین خط‌مشی، عمل یا موضع‌گیری معتقدان به آن‌ها در مسائل سیاسی-اجتماعی مؤثر باشد".

نقش ایدئولوژی در ترجمه به‌ویژه در ترجمه متون سیاسی مطبوعاتی همواره مورد توجه مترجمان و پژوهشگران این عرصه واقع شده است. نظریه‌پردازان مطالعات ترجمه و ترجمه‌شناسی بر این باورند که طی تمام مراحل ترجمه یک متن، ایدئولوژی مترجم می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های وی تأثیر مشهود و قابل ملاحظه‌ای داشته باشد، چراکه طی این فعالیت ذهنی و آگاهانه، مترجم می‌تواند از بین چندین واژه مترادف و نزدیک به هم گزینه‌ای را انتخاب کند که القاء‌کننده بار معنایی خاص و همسو با خط‌مشی وی باشد. راهکارهایی که مترجم از آن‌ها در راستای تدوین متن مقصد استفاده می‌کند، از جمله گزینش ساختاربندهای مناسب برای جملات، نیز می‌تواند برخوردار از ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های زبانی باشد که مؤید و مکمل جهت‌گیری‌های سیاسی و تفکرات اجتماعی خاص او باشد.

امروزه، ترجمه اخبار سیاسی یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های رسانه‌های خبری است. طبق نظر وندایک (Van Dijk, T. A, 2004)، نویسندگان و مترجمان متون سیاسی همواره به‌منظور انعکاس افکار، ایدئولوژی، باورهای سیاسی خود و نظام حاکم بر جامعه‌شان از راهبردهای ایدئولوژیک بهره می‌جویند تا به برجسته‌سازی و یا کمرنگ‌سازی رویدادها و کنش‌گران سیاسی بپردازند. این بدان معنی است که رسانه‌های خبری انواع تکنیک‌ها و تدابیر را مورد استفاده قرار می‌دهند تا اهمیت اخبار سیاسی را در جهت عقاید سیاسی خود کم یا زیاد جلوه دهند. از جمله این تغییرات می‌توان به تغییر واژگان و ساختارهای نحوی که موضوع مورد بحث این تحقیق است اشاره کرد. در ترجمه متون سیاسی، معمولاً مترجم به‌صرف انتقال

محتوای متن مبدأ اکتفا نمی‌کند، بلکه تلاش دارد همان‌طور که نگارنده در حین نگارش متن ایدئولوژی خاصی را دنبال می‌کرده، او نیز تفکر و خط‌مشی مد نظر خود را از طریق ایجاد تغییرات ظریف و بعضاً نامحسوس در متن مقصد وارد کند. در واقع، فرآیند ترجمه فرصتی را برای مترجم فراهم می‌آورد تا در عین انتقال متن یک نویسنده، در ایدئولوژی و پیام او دست ببرد. با توجه به اینکه ترجمه متون سیاسی بیش از هر چیز تابع متغیرهای فرازبانی است، می‌توان ادعان داشت که این دستکاری‌ها، انتخاب‌های جهت‌دار و راهبردهای گزینش‌شده عملاً در خدمت ایدئولوژی مترجمان است.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر بر آن است تا با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی و در چارچوب نظریه بافت زبانی بر اساس پژوهش‌های زبان‌شناسان نامی‌ای چون پالمر، نایدا، فرث، مالینوفسکی، چامسکی، هایمز، مارتینه، سوسور، بالی، گریس و کاپلان، دلایل ایدئولوژیکی انتخاب واژگانی رسانه‌های مکتوب فرانسه زبان را بررسی نماید. بدین منظور، نگارندگان به بررسی ترجمه سخنان دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، درباره تصمیم ایران برای کاهش تعهدات خود در برجام، در رسانه‌های فرانسه زبان از طیف‌های مختلف سیاسی می‌پردازند و واژگان استفاده شده در این رسانه‌ها را برای ترجمه این سخنرانی بر پایه روابط همنشینی و جاننشینی مورد تحلیل قرار می‌دهند.

متن اصلی سخنرانی دکتر حسن روحانی از سایت خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، استخراج شده است و رسانه‌های مورد مطالعه که به شیوه خودگزینی و با رعایت اصل تنوع در طیف فکری راست‌گرا و چپ‌گرا انتخاب شده‌اند، عبارتند از:

- هفته‌نامه لوپوئن (*Le Point*)
- روزنامه لوموند (*Le Monde*)
- روزنامه لیبراسیون (*Libération*)
- روزنامه فیگارو (*Figaro*)

- سایت اگالیته رکونسیلیاسیون<sup>۱</sup> (*Égalité et Réconciliation*)
- سایت مدیاپارت<sup>۲</sup> (*Mediapart*)

در این تحقیق، ابتدا اطلاعات ضروری از طریق مراجعه به سایت روزنامه‌های موردنظر جمع آوری شده است و سپس با تجزیه و تحلیل داده‌ها و مطابقت گزیده‌هایی از متن مبدأ با ترجمه همان گزیده‌ها در زبان مقصد، در صدد یافتن دلیل به‌کارگیری واژه‌ها و ارتباط آن‌ها با ایدئولوژی مد نظر مترجمان برآمده‌ایم.

### پرسش‌های تحقیق

در این تحقیق همان‌طور که اشاره شد به نقش مهم بافت زبانی در ترجمه متون سیاسی به‌طور عام و در ترجمه متن یکی از سخنرانی‌های دکتر حسن روحانی به‌طور خاص پرداخته خواهد شد و به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد که: بافت زبانی چیست؟ چه تأثیری در ترجمه متون سیاسی به‌طور عام دارد؟ تأثیر آن در ترجمه سخنان رئیس‌جمهور ایران به چه صورت نمود پیدا کرده است؟

### مشکلات تحقیق

از مهم‌ترین مشکلاتی که نگارندگان با آن روبه‌رو بوده‌اند این است که دسترسی به سایت روزنامه‌های فرانسه زبان به‌سادگی میسر نبوده، چراکه غیر از چند رسانه، استفاده از متن کامل اخبار و آرشیو سایر سایت‌ها مستلزم پرداخت هزینه آونمان به‌صورت آنلاین می‌باشد که این امر نیز با توجه به تحریم‌های بانکی علیه کشورمان با پیچیدگی‌هایی روبه‌روست.

یکی دیگر از مسائلی که نگارندگان با آن مواجه بوده‌اند، عدم امکان تطبیق کامل متون ترجمه شده توسط این رسانه‌ها با متن اصلی خبر بوده، زیرا تقریباً تمامی این رسانه‌ها از نقل قول‌های غیرمستقیم استفاده می‌کنند و این مسئله سبب می‌شد که مطابقت دادن صحیح و دقیق متن با ترجمه آن تا حدودی مشکل باشد. درعین حال، یک سخنرانی شفاهی که متن آن

1. *Égalité et Réconciliation* (<https://www.egaliteetreconciliation.fr/>)

2. *Mediapart* (<https://www.mediapart.fr/>)

توسط رسانه‌های داخلی و خارجی به صورت مکتوب درآمده به عنوان متن مبدأ انتخاب شد تا به مرتفع شدن این معضل کمک شود.

### پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت بررسی نقش و تأثیر ایدئولوژی در فرآیند ترجمه تاکنون تحقیقات زیادی در این خصوص انجام شده که هرکدام از آن‌ها این رابطه انکارناپذیر را در دسته‌ای خاص از متون اعم از دینی، سیاسی، یا ادبی بررسی کرده‌اند. از میان این پژوهش‌ها، می‌توان به مقاله زهرا میرزا و علیرضا خانجان با عنوان "بازنمود ایدئولوژی و قدرت در ترجمه"، مقاله "نقش ایدئولوژی در ترجمه‌های قرآنی" اثر آقایان مصفا جهرمی و همکاران و نیز مقاله "جنسیت و ایدئولوژی در ترجمه با رویکرد تحلیل انتقادی کلام"<sup>۳</sup> نوشته خانم‌ها احمدی پور و رضایی و همچنین مقاله خانم هدی زمانی سرزنده با عنوان "نقش ایدئولوژی کشور در ترجمه اخبار سیاسی رسانه"<sup>۴</sup> اشاره کرد. در تمام این مقالات که در چارچوب رویکردها و نظریات مختلف قرار گرفته‌اند، تکیه بر ترجمه‌های صورت گرفته در حیطه زبان‌های عربی یا انگلیسی می‌باشد و مثال‌های ذکر شده جهت نشان دادن نمونه‌های ملموس از تأثیرات مدنظر، از همین دو زبان می‌باشد. طبق بررسی‌های انجام شده تاکنون پژوهشی در خصوص بعد ایدئولوژیک ترجمه‌های فارسی-فرانسه و بالعکس و با تکیه بر نظریه بافت زبانی صورت نگرفته است. با توجه به مواضع سیاسی خاص کشور فرانسه و به‌ویژه نقش مهم این کشور در تصمیم‌گیری‌های گروه ۵+۱، این موضوع می‌تواند از اهمیت و جذابیت کافی برای علاقه‌مندان به حوزه‌های مطالعاتی

۱. میرزا، زهرا؛ خانجان، علیرضا؛ "بازنمود ایدئولوژی و قدرت در ترجمه"، مطالعات ترجمه، زمستان ۸۴، دوره ۳، شماره ۱۲، صفحات ۷ تا ۲۸.

۲. مصفا جهرمی، ابوالفضل؛ میمنه جهرمی، حیدرعلی؛ کتابی، سعید؛ "نقش ایدئولوژی در ترجمه‌های قرآنی"، مطالعات ترجمه، تابستان ۸۷، دوره ۶، شماره ۲۲، صفحات ۴۱ تا ۵۸.

۳. احمدی پور، طاهره؛ رضایی، عذرا؛ "جنسیت و ایدئولوژی در ترجمه با رویکرد تحلیل انتقادی کلام"، مطالعات ترجمه، پاییز ۹۰، دوره ۹، شماره ۳۵، صفحات ۱۱۵ تا ۱۲۴.

۴. زمانی سرزنده، هدی؛ "نقش ایدئولوژی کشور در ترجمه اخبار سیاسی رسانه"، مطالعات ترجمه، بهار ۹۱، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صفحات ۷۸ تا ۸۷.

علوم سیاسی و زبان فرانسه برخوردار باشد و جلوه‌های جدیدی از نقش عوامل فرازبانی در ترجمه را نمایان سازد.

### مبانی نظری تحقیق

#### بافت زبانی

در معناشناسی، بافت را مجموعه عواملی می‌دانند که به نحوی در تفسیر معنا تأثیر دارند. بر این اساس، معنای واقعی و کامل یک واژه را تنها می‌توان بر اساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی تعیین کرد (پالمر، ۱۳۸۷: ۱۵۸). بافت زبانی نقش مهمی در ترجمه به‌طور عام و در ترجمه متون سیاسی به‌طور خاص دارد. بافت زبانی عنصری ضروری و درعین‌حال چالش‌برانگیز در مباحث ترجمه‌شناسی و نقد ترجمه به‌حساب می‌آید؛ ضروری از این جهت که نمی‌توان آن را در موقعیت‌های مختلف نادیده گرفت و چالش‌برانگیز از حیث مفاهیم متفاوتی که از آن برداشت می‌شود. بافت زبانی را می‌توان به‌عنوان عنصری که بر محیط زبانی یک واحد زبان، یعنی بر روابط دستوری و معنایی این واحدها با دیگر واحدهای زنجیره گفتار یا متن دلالت دارد، تعریف کرد (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۱۲).

پل هربرت گرایس فیلسوف و زبان‌شناس انگلیسی معنای کلام را به انتقال یک سری داده محدود نمی‌داند بلکه آن را وابسته به مقصود گوینده و نحوه دریافت این پیام توسط گیرنده دارد. وی بر مقصود در گفتار تأکید فراوانی دارد. از منظر گرایس عنصر اساسی برای درک معنای کلام مقصودی است که در پس عمل ارتباطی وجود دارد. وی در کتاب خود به نام *Logic and Conversation* بین معنای گفته شده و معنایی که از کلام استنباط می‌شود تفاوت قائل شده است. تلویحات زبانی (*conversational implicatures*) از منظر گرایس سه ویژگی اصلی دارند: قابل جایگزینی هستند، قابل از بین بردن هستند و قابل فرمول‌بندی شدن نیستند. (گرایس، ۱۹۷۵)

مارتینه زبان‌شناس فرانسوی از افراد برجسته مکتب پراگ و نقش‌گرا بود، یعنی صورت زبانی را در ارتباط با نقشی که آن صورت القا می‌کند بررسی می‌کرد. وی زبان را خارج از بافت و محیط واقعی و طبیعی که زبان در آن به کار می‌رود مطالعه نمی‌کرد. وی همانند سوسور

اجزا زبان را به عنوان عناصر تشکیل دهنده یک کل می پنداشت که هر کدام جایگاه و نقشی در درون آن کل به عهده دارند (مارتینه، ۱۹۶۰)

در هر صورت، مسلماً درک و شناخت صحیح بافت زبانی این امکان را برای مترجم فراهم می کند تا به معنای درست و دقیق واژگان و جملات پی ببرد. در بستر بافت زبانی است که معنا بر پایه روابط همنشینی و جانشینی شکل می گیرد.

به زعم سوسور، زبان شناس معروف سوئیسی، نشانه زبانی گوهری دوگانی دارد که یک سوی آن دال یا تصویر آوایی واژه است و سوی دیگر آن مدلول یا تصویر ذهنی و مفهومی آن، هیچ یک از این دو به تنهایی نشانه نیستند بلکه رابطه ساختاری متقابل و هم بسته آن ها که دلالت خوانده می شود نشانه را به وجود می آورد رابطه ای که اساساً دلبخواهی و قراردادی است و نه طبیعی، ضروری و انگیزته (سوسور، ۱۹۷۲: ۱۶۰-۱۶۲).

رابطه میان نشانه ها نیز رابطه ای دوگانی است و شامل روابط همنشینی و جانشینی می شود. رابطه همنشینی مبتنی است بر رابطه میان نشانه های حاضر در یک زنجیره زبانی مانند جمله، اما رابطه جانشینی مبتنی است بر رابطه یک نشانه زبانی حاضر در زنجیره کلام و دیگر نشانه های زبانی غایب اما مشابه که می توانند در یک متن معین جانشین آن شوند (سوسور، ۱۹۷۲: ۱۷۰-۱۷۵).

مفهوم همنشینی بر انواع شیوه های ترکیب کلمات در بستر گفتمان و ارتباطاتی که میان واژگان در بستر گفتمان شکل می گیرد دلالت دارد؛ و اصطلاحاً به کلماتی که در کنار یکدیگر قرار گرفته و زنجیره ای از داده های زبانی را تشکیل می دهند کلمات هم نشین گفته می شود (بی یرویش، ۱۳۷۴: ۳۰). بر این اساس، هم نشین های یک واژه مؤلفه های معنایی آن به حساب می آیند که نقش مهمی در درک و دریافت معنای دقیق و صحیح آن واژه دارند.

مفهوم جانشینی ناظر بر روابط میان یک واژه با واژگانی است که می توانند جایگزین آن شوند؛ بدین ترتیب به کلماتی که می توانند در زنجیره گفتار از حیث قرابت معنایی به جای یکدیگر به کار روند کلمات جانشین گفته می شود (پالمر، ۱۳۸۷: ۱۵۹-۱۵۸).

نایدا معتقد است که ترجمه جانبدارانه در روند ارتباطات بعضاً می تواند دانسته و برای وفق دادن پیام با مقاصد سیاسی و مذهبی و اجتماعی مترجم باشد، اما گاهی تغییر دادن های نا به جا

دانسته نیست و نتیجه خصوصیات ناآگاهانه‌ای است که در شخصیت مترجم وجود دارد که از طرق پنهانی و در ظاهر بدون غرض‌ورزی بر ترجمه وی اثر می‌گذارد. این جانبداری زمانی خود را نشان می‌دهد که مترجم فکر می‌کند که باید پیام متن اصلی را بهتر کند و خطاهای آن را تصحیح نماید و با انتخاب جانبدارانه واژه‌ها، درستی باور خود را نمایان سازد. (Nida, 1964: 28)

به منظور منتقل کردن هر پیامی نیاز به یک تداوم و نظم لغات است که این دو در مفاهیم همنشینی و جاننشینی کلمات نمود می‌یابند.

در این میان مفهوم همنشینی کلمات یکی از مهم‌ترین ارکان بافت درون زبانی است که در انتقال معنا پیام نقش مهمی دارد و چه بسا انتخاب یک کلمه هم‌نشین نامناسب می‌تواند معنا جدیدی به پیام اصلی بدهد که بعضاً در تضاد با معنا واقعی پیام موردنظر است. در حقیقت رابطه بین این کلمات هم‌نشین با یکدیگر است که در بافت پیام معنا موردنظر گوینده پیام را تعیین می‌کند.

#### بافت یا ساختار

مفهوم بافت مرکز تفکر فرثین (Firth, 1934:177-189) را تشکیل می‌دهد که به آن "تئوری مفهومی زبان" هم گفته می‌شود.

زمانی که صحبت از بافت زبانی می‌شود بیشتر منظور بافت موقعیتی است که اولین بار آن را مالینوفسکی مردم‌شناس لهستانی الاصل مطرح کرد. قبل از طرح موضوع بافت موقعیتی توسط مالینوفسکی بافت زبانی به جمله‌ها و واژه‌های قبل و بعد از یک جمله در حین ترجمه منتسب می‌گردید. در تعاریفی که برای بافت ارائه شده است زمانی به نقش درون زبانی آن و زمانی دیگر به نقش برون زبانی آن توجه می‌شده است. (Dineen, 1967:300)

تعریفی که هر دو بافت درون زبانی و برون زبانی را در بر می‌گیرد عبارت است از "موقعیتی که جمله در آن ایجاد شده و در فهمیدن و فهماندن معنا و مقصود از آن جمله دخیل است". (صفوی، ۱۳۸۲: ۵۹)

در نتیجه امروزه نقش مهم بافت کلام را در شناخت و تحلیل محتوای یک متن نمی‌توان نادیده انگاشت.



### بافت برون زبانی

در علم معناشناسی دو نوع بافت زبانی تعریف شده است که عبارتند از بافت برون زبانی و بافت درون زبانی.

در بافت برون زبانی این جمله‌ها هستند که اساس بافت زبانی را تشکیل می‌دهند و وابسته به موقعیت و فضایی هستند که پیام در آن جریان می‌یابد و در موقعیت‌های گوناگون معانی متفاوتی به آن می‌بخشند به همین دلیل به آن بافت موقعیتی نیز گفته می‌شود.

مالینوفسکی درباره بافت موقعیتی بر این نظر است که زبان‌ها نباید جدا از بافت موقعیتشان مورد بررسی قرار بگیرند بلکه باید در خلال موقعیت‌هایی که از آن‌ها استفاده می‌شود بررسی شوند (Sampson, 1980: 220)

فرث بر خلاف دیگر زبان‌شناسان که جمله را داده اصلی در بررسی زبان می‌دانستند متن زبانی را در بافت موقعیت به‌عنوان داده واحد بررسی در نظر می‌گیرد و به‌ویژه بر تحلیل نوایی متن تأکید دارد (Malmkyar, 2000: 314)

به عقیده فرث بافت موقعیت یکی از روش‌های توصیف زبان است مانند دستور زبان که روشی دیگر برای توصیف آن می‌باشد ولی با قالبی متفاوت اما با ماهیتی مشابه (Dinnen, 1967: 306). او معتقد است که بافت موقعیت باید همواره به همراه متن اصلی مورد تجزیه و تحلیل واقع شود.

هایمز با الگوگیری از دیدگاه فرث، مختصاتی را برای تولید جملات زبان برحسب بافت برون زبانی معرفی می‌کند که عبارتند از: گوینده، شنونده، موضوع، موقعیت، مجرای ارتباطی، رمزگان، شکل پیام، رویداد، شاهدان گفتگو، ابزارهای ارزش‌گذاری و قصد از گفتگو. به اعتقاد وی، این عوامل در انتخاب جمله‌های گوینده و نوع واکنش شنونده دخیل‌اند (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۹-۲۰).

بنابراین جمله پیامی را در بر دارد که بستگی به موقعیت گوینده و مخاطب آن دارد و می‌تواند در فرآیند انتقال دستخوش تغییراتی در هر دو گروه با توجه به فضاها و فرهنگ‌ها و اجتماعی هر یک شود.

### همنشینی واژگانی یا باهم آیی

از بررسی متون زبان‌شناسی چنین برمی‌آید که فرث اولین فردی بود که عنوان کرد واژه‌ها نه تنها با توجه به قواعد دستوری کنار یکدیگر قرار می‌گیرند بلکه ویژگی‌های باهم آیی نیز دارند. وی واژه باهم آیی را برای جایگاه‌های معمول و رایج واژه‌ها ابداع کرد. ( Fellbaum, 2007: 8)

به نظر بالی، زبان‌شناس فرانسوی، کلماتی که تشکیل واحدهای معنایی می‌دهند و تحت نام باهم آیی شناخته می‌شوند، باید کل یا بخشی از معنای قبلی را از دست بدهند، به طوری که مجموع همنشینی دارای معنای جدید شود (بالی، ۱۹۵۱: ۷۴)

باهم آیی در حقیقت استفاده همزمان از واژه‌هایی در جمله است که به تنهایی معنی موردنظر را نمی‌رسانند و حتماً باید در جای خود و با هم به کار برده شوند و نمی‌توان یکی از آن‌ها را به واژه دیگری جایگزین کرد به طوری که انتخاب هر کلمه بر روی انتخاب سایر کلمات جمله اثرگذار است.

پس می‌توان نتیجه گرفت که باهم آیی بر مبنای دو محور جانشینی و همنشینی است. در واقع فرث با جمله معروف خود تحت عنوان "شما یک واژه را از طریق واژه‌هایی که آن را همراهی می‌کنند تشخیص می‌دهید" خود را به عنوان پدر باهم آیی در زبان‌شناسی مطرح کرد. (Sinclair, 2004: 21)

### رابطه جانشینی

رابطه جانشینی بدان معنا است که به جای یک واژه می‌توان از واژه‌های دیگری استفاده کرد و در حقیقت یکی را جانشین دیگری نمود بدون آنکه تغییری در معنای جمله ایجاد شود. اما نایدا بر این عقیده است که هیچ دو کلمه‌ای را نمی‌توان یافت که با وجود مترادف بودن دقیقاً هم معنا باشند حتی اگر آن دو کلمه از یک زبان باشند. وی معتقد است که بدین ترتیب در دو زبان متفاوت نمی‌توان دو واژه کاملاً مترادف یافت با توجه به آنچه گفته شد، نایدا این بحث را پیش می‌کشد که مراوده، خواه به حالت پنهان معنایی یا عیان معنایی امری است نسبی و نمی‌تواند به کمال جاری گردد. نایدا معتقد است که مطالعه و بررسی زبان باید با در نظر گرفتن نقشی که در مراوده بین اهل زبان دارد و بازدهی دو جانبه فرهنگی که از آن حاصل

می‌آید انجام پذیرد. وقتی صحبت از معنی یک گفتمان به میان می‌آید تمامی عوامل درون و برون زبانی باید مورد توجه قرار گیرند. در غیر این صورت بار معنایی به‌خوبی جلوه نمی‌نماید. ممکن است از بعضی از عبارات به عیان افاده معنی می‌گردد، درحالی‌که عبارات دیگر علاوه بر معنای ظاهری دارای معانی مجازی نیز باشد (Nida, 1964:22-28)

#### رابطه همنشینی

رابطه همنشینی یعنی رابطه‌ای که بر اساس آن عناصر زبانی کنار هم قرار می‌گیرند و زنجیره‌ها و سازه‌های بزرگ‌تر را به وجود می‌آورند. رابطه همنشینی میان واحدها، در جمله ایجاد می‌شود که همگی مستقیماً در یک ساخت یا جمله حضور دارند، محور همنشینی، بر قواعد ساختاری زبان استوار است و محور دستور و تجلی قواعد دستوری قلمداد می‌گردد و اختلال در روابط همنشینی موجود میان واحدهای هر ساخت سبب می‌شود که ساخت جمله ناسازگار گردد. (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۸۹-۱۹۰)

به عقیده فرث این همنشینی واژگانی کلمه‌ها فقط قسمتی از معنی کلمه را در بردارد و این همنشینی تنها یکی از موارد بیان معنی می‌باشد.

به اعتقاد چامسکی آنچه که به معنی‌شناسی مربوط می‌شود، در نظر گرفتن محدودیت‌های باهم آبی واژگان در جمله است. دستور موردنظر چامسکی شامل مجموعه قواعد مناسبی است که از طریق آن جملات درست و فقط درست زبان زاییده شود. (پالمر، ۱۳۸۷: ۱۶۹-۱۷۰)

اما فرث معتقد است که معنی تنها از خلال قرار گرفتن در بافت کشف می‌شود، به عبارت دیگر معنا عبارت یا جمله، مجموعه معناهای تک تک کلمات آن نیست بلکه نقشی است که در آن گفته یا جمله در موقعیت خاص ایفا می‌کند. (صلح‌جو، ۱۳۷۷: ۷۲)

در فرآیند ترجمه مخصوصاً ترجمه متون سیاسی و مطبوعاتی بعضاً کلماتی به کار رفته‌اند که از لحاظ معنی مترادف هم محسوب می‌گردند اما در شرایط مختلف معانی متفاوتی دارند و به کار بردن یکی به جای دیگری در عبارات متن در شرایط خاص می‌تواند پیام متن را دچار تغییر کند و این موضوع ناشی از همنشینی متفاوت این واژه‌ها است.

## تحلیل و بررسی داده‌ها

مطالعات رسانه‌ای در عصر حاضر در حوزه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرار می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در این خصوص، بررسی رابطه غیر قابل انکار رسانه و زبان است. در همین راستا، رابطه قدرت و ایدئولوژی در انتقال پیام از طریق خبر، از یک زبان به زبان دیگر، نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در ادامه، با تکیه بر مثال‌هایی مستخرج از سخنان دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، در رابطه با کاهش تعهدات ایران در برجام، به بررسی این موضوع می‌پردازیم که بافت زبانی و روابط جانشینی و همنشینی واژه‌ها چگونه در ترجمه این سخنرانی توسط رسانه‌های فرانسوی‌زبان نمود پیدا کرده است؟

رسانه‌های بررسی شده در این تحقیق از لحاظ ایدئولوژیکی با هم متفاوت هستند و این تفاوت دیدگاه را می‌توان در روند ترجمه خبر به خوبی احساس کرد. (مبنای تفکیک گرایش روزنامه‌های ذکر شده تحقیقی است که جمعی از دانشجویان مدرسه آنتوان روسن انجام داده‌اند [lycee-antoine-russin.ac-reunion.fr](http://lycee-antoine-russin.ac-reunion.fr) لازم به یادآوری است:

- هفته‌نامه لوبوئن، دیدگاه‌هایی متمایل به گروه راست‌گرایان (راست میانه) دارد
- خط‌مشی سیاسی روزنامه فیگارو مبتنی بر اصول محافظه‌کاری است.
- روزنامه لوموند، دیدگاه‌هایی متمایل به گروه چپ‌گرایان چپ میانه دارد.
- روزنامه لیبراسیون، از منظر سیاسی، جهت‌گیری‌های چپ‌گرایانه و باورهای سوسیالیستی دارد.
- سایت اگالیته رکونسلیاسیون، میانه‌رو است.
- سایت مدیاپار، ظاهراً گرایش سیاسی خاص و مشهودی ندارد، ولی بیشتر متمایل به چپ میانه می‌باشد.

بررسی این روزنامه‌ها و سایت‌ها نشان می‌دهد که از میان موضوعاتی که آقای روحانی در سخنرانی خود مطرح کرده‌اند، این رسانه‌ها فقط موضوعات خاصی را مد نظر قرار داده و ترجمه کرده‌اند. در واقع، ایدئولوژی حاکم بر آن‌ها نه تنها بر نحوه ترجمه متن خبر و واژه‌گزینی تأثیر گذاشته، بلکه در انتخاب موضوعات هم مؤثر بوده و به نوعی سانسور خبری منجر شده

است. حال برای بررسی این رسانه‌ها ابتدا متن خبر که در تاریخ ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ منتشر گردیده است به صورت جمله به جمله از سایت خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، نقل خواهد شد و سپس با متن ترجمه شده از همان جمله مقایسه خواهد گردید. لازم به ذکر است که رسانه‌های مورد مطالعه (که این خبر را در ماه مه ۲۰۱۹ بازتاب داده‌اند) اغلب از شیوه نقل قول غیرمستقیم برای ترجمه این سخنرانی استفاده کرده‌اند و فقط در چند مورد محدود نقل قول مستقیم از سخنان دکتر روحانی داشته‌اند.

" آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۱۴ نوبت از سال ۹۴ تا به امروز تأیید کرده که ایران به تعهدات خود عمل کرده است".

این بخش از سخنان رئیس‌جمهور فقط در روزنامه لوموند منعکس گردیده است.  
لوموند:

L'agence internationale de l'énergie atomique n'a cessé de confirmer depuis 2014 que l'Iran respecte ses obligations.

این رسانه در ترجمه این بخش از خبر کاملاً وفادارانه عمل کرده است. استفاده از ساختار ترکیبی "ne cesser de" نشان دهنده تأکید و تداوم در انجام عملی می‌باشد، درعین حال به عدد ۱۴ که نشان دهنده تعداد دقیق دفعات تأیید توسط آژانس هست، اشاره‌ای نشده است. در صورتی که بازتاب ندادن این قسمت مهم از سخنرانی در سایر رسانه‌ها می‌تواند ناشی از تفکر ایدئولوژیکی حاکم بر آن‌ها باشد که بر طبق آن همواره به مخاطب خود القاء کرده‌اند که ایران کشوری است که به تعهدات خود پایبند نیست، پس بازتاب این حقیقت با آنچه تاکنون گفته‌اند مغایرت خواهد داشت و مترجمین برای جلوگیری از چنین پدیده‌ای تکنیک حذف را به کار برده‌اند.

"امروز ما نمی‌خواهیم از برجام خارج شویم".

از میان رسانه‌های مورد مطالعه در این تحقیق، تنها روزنامه لیبراسیون و سایت مدیاپار این بخش را بازتاب داده‌اند.

لیبراسیون:

Pas question pour l'instant de se retirer de l'accord.

مدیایپار:

*La République Islamique n'entend pas se retirer.*

این دو ترجمه معنی و مفهوم سخنان آقای روحانی را به خوبی می‌رسانند. در عین حال، روزنامه *لیبراسیون* از قید زمانی "*pour l'instant*" به معنای "فعلاً" استفاده کرده که این فرضیه را در ذهن مخاطب قوت می‌بخشد که شاید بعداً خروج ایران از برجام اتفاق بیفتد، البته به نظر می‌رسد این عبارت به عنوان معادلی برای واژه "امروز" در متن مبدأ انتخاب شده است. سایت مدیایپار به استفاده از زمان حال برای فعل جمله اکتفا کرده است. روزنامه *لوموند* در متن خبر اشاره‌ای به این موضوع نکرده است، ولی در تیتراژ خود می‌نویسد:

*L'Iran [...] en vue de son retrait de l'accord sur le nucléaire.*

استفاده از واژه "*retrait*" که طبق فرهنگ لغت روبر<sup>۱</sup> به معنی "عقب‌نشینی، کناره‌گیری یا انصراف" است، دقیقاً معنایی متضاد با آنچه در متن مبدأ است را می‌رساند. از آنجایی که این عبارت در عنوان خبر قرار گرفته، حساسیت و توجه نسبت به آن بیشتر می‌شود و از همان ابتدا این‌طور به مخاطب القاء می‌شود که ایران هدف خروج از برجام را دنبال می‌کند. در اینجا با جانشین کردن کلمه‌ای به جای کلمه دیگر که نه تنها مترادف آن نبوده بلکه متضاد آن است، مواجه هستیم.

"امروز ما به سران ۵ کشور اعلام کردیم که از دو اقدامی که تاکنون انجام می‌دادیم صرف‌نظر خواهیم کرد".

به نظر می‌رسد، جمله فوق که به اشکال مختلف در تمام رسانه‌های مورد مطالعه ذکر شده، دستخوش بیشترین دستکاری ایدئولوژیکی، از طریق به‌کارگیری راهبردهای واژه‌گزینی و جانشینی، شده است. این بخش، با قرار گرفتن در قلب متن، این قابلیت را دارد که به طرز قابل‌ملاحظه‌ای نگرش مخاطب را نسبت به ایران دچار دگرگونی و تحول عمیق کند. لوموند:

« *L'Iran lance un compte à rebours [...]* » (Titre)

« *Téhéran cesse de respecter deux clauses de l'accord et lance un ultimatum aux Européens* »

1. Robert

« L'Iran a renoncé à respecter deux clauses de l'accord [...] »

Egalité et Réconciliation :

Accord 5+1 sur le nucléaire : « L'Iran suspend certains de ses engagements »  
(Titre)

لوپوئن:

Nucléaire : « Ultimatum de l'Iran, qui s'affranchit de certains engagements »  
(Titre)

« Téhéran a lancé un ultimatum aux Européens ... »

فیگارو:

Nucléaire : « L'Iran suspend des engagements et lance un ultimatum » (Titre)

لیبراسیون:

Iran : « L'accord nucléaire poursuit sa fission » (Titre)

« L'Iran a lancé un ultimatum aux autres signataires encore ... »

مدیپار:

« L'Iran recule sur l'accord nucléaire, Trump bondit » (Titre)

« Ils ont annoncé qu'ils revenaient sur deux de leurs engagements pris lors  
... »

برای ترجمه کردن جمله رئیس‌جمهور ایران به زبان فرانسه، به چنین معادل‌هایی دست

می‌یابیم: "اعلام کردن" در فارسی، معادل‌هایی از قبیل "Annoncer, Proclamer"

"Réclamer, Informer, Déclarer" در فرانسه دارد؛ "اقدام" معادل واژگانی همچون "

"Démarche, Action, Effort" است؛ "صرف‌نظر کردن" به افعالی از قبیل "Démunir,"

"Remettre, Se Dessaisir" ترجمه می‌شود؛ اما همان‌طور که مشاهده می‌شود، در تیترو متن

خبر رسانه‌های مدنظر این عبارات با واژه‌ها و جمله‌هایی جایگزین شده‌اند که بعضاً نه تنها

مترادف آن‌ها نیستند بلکه معنی و مفهومی درست در تضاد با آن‌ها را می‌رسانند.

برای عبارت "اعلام کردن"

روزنامه لوموند که دارای مواضع چپ‌گرایانه است، در تیترو خود از ساختار "lance un"

"compte à rebours" و در متن خبر از واژه "ultimatum" استفاده کرده است.

سایت‌های اگالیته رکونسیلیاسیون و مدیاپار که سعی می‌کنند موضع‌گیری سیاسی مشهودی نداشته و نزدیک به میانه‌روها باشند، نه در متن و نه در تیتیر خیرهای خود اشاره‌ای به این عبارات نداشته‌اند.

هفته‌نامه راست‌گرای لوپوئن هم در تیتیر و هم در متن خود از واژه "ultimatum" استفاده کرده است.

روزنامه راست‌گرای فیگارو در تیتیر خود از واژه "ultimatum" استفاده کرده است. روزنامه حزب سوسیالیست، لیبراسیون، در تیتیر خود اشاره‌ای به آن نکرده است ولی در متن خبر از واژه "ultimatum" استفاده کرده است.

فرهنگ لغت روبر "Ultimatum" را به‌عنوان "آخرین شرط همراه با تهدیدات برای به دست آوردن چیزی" تعریف می‌کند؛ و مترادف‌هایی از قبیل "sommation, commandement, exigence, intimidation, injonction, mise en demeure, ordre" برای آن برمی‌شمارد که همگی به معنای تهدید و اخطار و دستور و حکم و ... هستند.

این در حالی است که در متن فارسی سخنرانی دکتر روحانی، اشاره مستقیمی به چنین مفاهیمی نشده است و این نشان می‌دهد که مترجمان برداشت خود را که دارای بار ایدئولوژیک بوده در برگردان متن دخیل نموده است. تنها مواضع سیاسی رسانه‌های مد نظر و هدفی که برای جهت دهی به ذهن و تفکر مخاطبین خود دارند، می‌تواند توجیه‌کننده استفاده از چنین عباراتی باشد و گرنه در خارج از این بافت "اعلام کردن" مترادف واژه "ultimatum" و از آن کمتر مترادف اصطلاح "lancer un compte à rebours" نیست. جایگزین کردن مترادف‌های خنثی‌تر با عبارات فوق‌الذکر که بار منفی سنگین‌تری دارند، ناشی از مواضع ضد ایرانی این رسانه‌هاست و در راستای القای این ایده که ایران اروپا را تهدید کرده است. بدین ترتیب، طی چنین ترجمه‌ای چهره ایران خدشه دار شده و افکار عمومی به سمت و سویی خاصی هدایت می‌شود.

#### برای واژه "اقدام"

هیچ کدام از رسانه‌های مورد بررسی هیچ یک از معادل‌های اولیه این واژه را که پیشتر از فرهنگ همراه ذکر کردیم، به کار نبرده‌اند، بلکه همه به استثناء روزنامه‌های لوموند و لیبراسیون،



آن را با واژه "engagement" جایگزین نموده‌اند. این کلمه فرانسوی طبق فرهنگ روبر به معنی "تعهد" بوده و مترادف‌هایی از قبیل "قول و اجبار" دارد، پس در اینجا نیز مشاهده می‌شود که عبارت "اقدام" که عموماً ناشی از یک تصمیم خودخواسته است و مبتنی بر اراده است، با واژه "تعهد" که ایده جبر و مسئولیت را به ذهن متبادر می‌سازد، جایگزین شده است. نتیجه این جایگزینی اینست که ایران در ذهن مخاطب به‌عنوان کشوری که از تعهدات خود عدول می‌کند و به قول و قرار خود عمل نمی‌کند جلوه داده می‌شود.

### برای فعل "صرف نظر کردن"

روزنامه لوموند از دو فعل "cesser de" و "renoncer à" در دو جای مختلف استفاده کرده است که به ترتیب به معنی "خاتمه دادن، تمام کردن، قطع کردن" و "صرف نظر کردن، پاپس کشیدن، چشم پوشیدن" است.

سایت اگالیه رکونسیلیاسیون این قسمت را بازتاب نداده است.

هفته‌نامه لوپوئن از فعل "S'affranchir" استفاده کرده که به معنی "آزاد شدن، رها شدن، خلاص شدن" است.

روزنامه فیگارو از فعل "Suspendre" استفاده کرده که به معنی "به حال تعلیق درآوردن، معلق کردن" است.

روزنامه لیبراسیون همچون روزنامه لوموند ساختار "cesser de" را به کار برده، اما آن را با فعل "appliquer" هم‌نشین کرده که ترکیب حاصله به معنی "متوقف کردن اجرا، توقف پیاده سازی" می‌باشد.

سایت مدیپار از ساختار "Revenir sur" استفاده کرده که به معنی "تجدید نظر کردن، عهد شکستن" است.

همانگونه که مشاهده می‌شود، هرکدام از ساختارهای فعلی گزینش شده توسط رسانه‌های فرانسوی‌زبان حاوی معانی اولیه و ثانویه مختلفی هستند و البته هیچکدام به شیوه‌ای ساده و خنثی معنای "صرف نظر کردن" را نمی‌رسانند، بلکه آن را با مفاهیم دیگری ترکیب و تشدید می‌کنند. حتی روزنامه‌چپ‌گرای لوموند که عبارت "renoncer à" یعنی نزدیک‌ترین معادل فرانسوی فعل "صرف نظر کردن" را به کار برده، در بخشی دیگر از متن همین خبر، آن را با

"cesser de respecter" به معنی "توقف پایبندی" جایگزین کرده است؛ بنابراین، رسانه‌های مورد مطالعه به‌طور کلی یا از عدم رعایت تعهدات ایران سخن گفته‌اند و یا از تعلیق آن‌ها و این جانشینی واژگان نشأت گرفته از ایدئولوژی حاکم بر کشور فرانسه و به تبع آن رسانه‌های فرانسوی‌زبان است که سعی دارند ایران را در مقام کشوری که به تعهدات خود پایبند نیست معرفی نمایند.

آخرین مورد قابل تأمل در این گزیده از سخنرانی مربوط به ترجمه گروه مخاطب رئیس‌جمهور یعنی "سران ۵ کشور" است که هم شامل اروپائیان شده و هم کشورهای روسیه و چین را در بردارد؛ اما هفته‌نامه راست‌گرای لوپوئن ترجیح داده برای ترجمه این بخش از واژه "Européens" به معنی "اروپایی‌ها" استفاده کند؛ این جانشینی ایدئولوژیک باعث می‌شود که مخاطب فکر کند طرف صحبت ریاست جمهوری ایران فقط اروپائیان هستند، با توجه به اینکه در ابتدای خبر این رسانه نیز از واژه تهدید استفاده شده است، بار دیگر ایران به‌عنوان کشوری که اروپا را تهدید می‌کند جلوه داده می‌شود و در ذهن مخاطب غربی، یک بعد تروریستی برای ایران شکل می‌گیرد که موجب انزجار و وحشت او می‌گردد. تفسیر دیگری که می‌توان از این جانشینی برداشت کرد این است که از دیدگاه راست‌گرایان فرانسوی، این تصمیم ایران صرفاً به ضرر سه کشور اروپایی خواهد بود و منافع روسیه و چین با چنین اقدامی به خطر نخواهد افتاد.

"این دو اقدام در واقع به یک بیان ساده دو فروش بود یعنی هر وقت مواد غنی شده ما به ۳۰۰ کیلو گرم می‌رسید ما اضافه بر آن را به کشوری دیگر می‌فروختیم ... و هر وقت تولید آب سنگین ایران از ۱۳۰ تن تجاوز می‌کرد ما مقدار اضافه را به کشوری می‌فروختیم، ... نه اورانیوم غنی شده و نه آب سنگین را از امروز نمی‌فروشیم."

روزنامه‌های چپ‌گرای لوموند و محافظه کار فیگارو این قسمت از سخنان رییس‌جمهور را بازتاب نداده‌اند.

اگالیته رکونسیلیاسیون:

La nation perse cesserait désormais de limiter ses réserves d'eau lourde et d'uranium enrichi ...

لوپوئن:

L'Iran cesse désormais de limiter ses réserves d'eau lourde et d'uranium enrichi.

لیبراسیون:

L'Iran ne limitera plus ses réserves d'eau lourde et d'uranium, deux éléments essentiels à la fabrication d'une arme nucléaire.

مدیپار:

... Téhéran ... conservera l'uranium enrichi au-delà du seuil 3,67% (suffisant pour des réacteurs nucléaires civils, mais pas assez pour une bombe atomique) et l'eau lourde qui permet de refroidir les centrales nucléaires.

در این بخش از سخنان دکتر روحانی، بار دیگر با نقل قول‌های غیرمستقیم به همراه تأویل و تفسیرهای متفاوت و جهت‌دار مواجه هستیم. در رابطه با جانشینی واژه‌ها، واژه‌ای که در هیچ یک از این رسانه‌ها به درستی ترجمه نشده و جایگزین مناسبی برای آن در نظر گرفته نشده است، فعل "نمی‌فروشیم" است. معادلی که بیشتر این رسانه‌ها برای آن انتخاب کرده‌اند "limiter" است که به معنی "محدود کردن، حدود چیزی را تعیین کردن" است و در واقع، به یکی از نتایج و پیامدهای حاصل از فروش اشاره دارد و نه مستقیماً به خود عمل "فروختن". سایت مدیپار از واژه "conserver" استفاده نموده که به معنی "حفظ و نگهداری کردن، با خود نگاه داشتن" است و البته بازهم معادل دقیقی نیست، اما به عدم فروش نزدیک‌تر است.

پس در این مورد هم متوجه می‌شویم که جانشینی یک واژه موجب تغییر معنای کلی جمله شده است و مخاطب را به این باور می‌رساند که ایران دیگر حاضر نیست حد و حدودی را برای ذخیره کردن اورانیوم غنی شده و آب‌های سنگین رعایت کند، بلکه قصد دارد از محدوده مشخص شده و ظرفیت معین فراتر برود که این مسئله مخاطرات جدی را در برخواهد داشت. در اینجا، نکته حائز اهمیتی را می‌توان در ترجمه‌های ارائه شده توسط روزنامه لیبراسیون و سایت مدیپار ملاحظه کرد، آن هم اینکه این دو رسانه در پی درج خبر، جمله‌ای توضیحی را به متن خبری خود اضافه کرده‌اند که تلویحاً هدف غایی ایران از این کار را ساخت بمب اتمی معرفی می‌کند. روزنامه لیبراسیون نوشته است: "این دو محصول پایه اصلی ساختن سلاح اتمی است!" و سایت مدیپار نوشته است: "این مقدار اورانیوم برای ساخت رآکتورهای اتمی برای

استفاده‌های غیر نظامی کافی است، ولی برای ساخت بمب اتم کافی نیست". مضمون این پیام پنهانی به روشنی به مخاطب منتقل می‌شود و آشکارا فرضیه ساخت بمب اتمی توسط ایران را قوت می‌بخشد. مسلماً، این اقدام نیز در راستای ایدئولوژی حاکم بر فضای رسانه‌ای کشور فرانسه است که همواره ایران را به دنبال کردن پروژه ساخت سلاح اتمی متهم می‌کند.

رئیس شورای امنیت ملی: "البته این اقدام برای ۶۰ روز است. به طرف مقابل، ۵+۱، اعلام می‌کنیم که اگر همه طرف‌های برجام ظرف ۶۰ روز پای میز مذاکره آمدند و با هم صحبت کردیم و به نتیجه رسیدیم و منافع ملی ما مخصوصاً در موضوع نفت و بانک تأمین شد، ما به نقطه اول برمی‌گردیم؛ یعنی اگر آن‌ها از امروز تا حداکثر ۶۰ روز دیگر به جبران پرداختند، ما هم به شرایط امروز برمی‌گردیم، ولی اگر در پایان ۶۰ روز به نتیجه‌ای نرسیدیم دو اقدام دیگر را پیش خواهیم گرفت".

روزنامه لوموند لوموند این بخش مهم از سخنان آقای دکتر روحانی را اصلاً بازتاب نداده است و مخاطب خود را در چرایی اقدامی که پیشتر بدان اشاره شد سرگردان گذاشته است؛ مسلماً مخاطبان این رسانه به این باور خواهند رسید که ایران بدون دلیل تصمیم به حفظ اورانیوم و آب سنگین خود گرفته است و یک بار دیگر این ایده غالب که ایران کشوری قابل اعتماد نیست بر ذهن مخاطبان حاکم می‌شود. سایت مدیاپار نیز این بخش از سخنان را در ترجمه خود حذف کرده است.

اگالیته رکونسیلیاسیون:

Téhéran donne 60 jours aux pays faisant encore partie du JCPOA pour rendre opérationnels leurs engagements en particulier dans les secteurs pétrolier et bancaire.

"... تا تعهدات خود را، به‌ویژه در حوزه‌های نفتی و بانکی، اجرایی کنند..."

لوپوئن:

... leur donnant deux mois pour trouver une solution permettant de sortir réellement les secteurs pétrolier et bancaire iraniens de leur isolement provoqué ...

"... تا راه حلی پیدا کنند که امکان خروج حوزه‌های نفتی و بانکی ایران را از انزوای ایجاد

شده برای آن‌ها فراهم کند ..."

فیگارو:

... en donnant 60 jours aux autres signataires pour tenter de sauver le dit-accord.

Le président Hassan Rohani a donc donné 60 jours aux autres signataires pour tenter de sauver l'accord et de mettre en œuvre leurs promesses de protéger les secteurs bancaire et pétrolier contre les sanctions de Washington.

" ... تا برای نجات توافق تلاش کنند."

" ... تا برای نجات توافق چاره‌ای پیدا کنند و تعهدات خود را درباره حمایت از حوزه‌های

بانکی و نفتی در مقابل تحریم‌های واشنگتن اجرایی نمایند."

لیبراسیون:

... leur donnant 60 jours pour rendre opérationnels leurs engagements, en particulier dans les secteurs pétrolier et bancaire, s'ils ne se plient pas à ces exigences, Téhéran menace de suspendre l'exécution de deux mesures clés de l'accord.

" ... تا تعهدات خود را، مخصوصاً در حوزه‌های نفتی و بانکی، اجرایی نمایند و اگر به

درخواست ایران تن ندهند، تهران تهدید کرده است که دو تعهد کلیدی توافقنامه را معلق می‌کند."

همان‌طور که مشخص است رسانه‌های مورد مطالعه، در ادامه همان سیاست‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم، از ذکر این نکته که ایران خواستار مذاکره مستقیم با کشورهای ۵+۱ است اجتناب ورزیده و در ترجمه خبر آن را حذف کرده‌اند که می‌توان این رویکرد را نوعی سانسور خبری نامید. جمله‌های کلیدی این بخش با جمله‌هایی جایگزین شده‌اند که مفهومی کاملاً متفاوت دارند و نقش ایدئولوژی حاکم بر آن‌ها برای دادن تصویری مخدوش از ایران کاملاً واضح است.

مضاف بر این، هیچکدام از این رسانه‌ها به واژه "منافع ملی" توجه ای نکرده‌اند و این‌طور به مخاطبان وانمود کرده‌اند که فقط حوزه‌های نفتی و بانکی مد نظر می‌باشند. روزنامه فیگارو از تلاش برای نجات توافق نوشته است، در حالیکه در متن اصلی اشاره مستقیمی به چنین چیزی نشده است.

"در برجام توافق بر این بود که غنی سازی در سطح ۳,۶۷٪ نگه داشته شود، بعد از ۶۰ روز ما از این اقدام خودداری خواهیم کرد یعنی دیگر سطحی برای ما مطرح نخواهد بود. بنا بود رآکتور آب سنگین اراک با همکاری کشورهای دیگر نوسازی شود اما در مسیر انجام متوقف شد ... بعد از ۶۰ روز ... اراک را تکمیل می‌کنیم."

روزنامه لوموند و سایت‌های اگالیته رکونسلیاسیون و مدیاپار بار دیگر این بخش مهم از سخنان را بازتاب نداده‌اند.

هفته‌نامه لوپوئن در این باره نوشته است:

« Sans réponse satisfaisante sous 60 jours, nous cesserons d'observer les restrictions consentis sur le degré d'enrichissement de l'uranium et l'Iran reprendra son projet de construction d'un réacteur à eau lourde à Arak, mis en sommeil conformément à l'accord de Vienne. »

در اینجا نیز، این هفته‌نامه نه تنها قسمت مربوط به قول مساعد سایر کشورها برای نوسازی رآکتور اراک را مطرح نکرده است، بلکه به در ادامه اصطلاح « mis en sommeil » به معنی "از مدار خارج شده" را در خصوص این رآکتور به کار برده تا این طور القاء کند که برخلاف قراردادی که در وین امضاء شده، ایران می‌خواهد فعالیت‌های هسته‌ای متوقف شده خود را از سر بگیرد، در صورتیکه در متن اصلی، خبر از تکمیل این رآکتور در اراک داده شده است و هیچ جا گفته نشده که این رآکتور از مدار خارج شده است.

روزنامه محافظه کار فیگارو در ترجمه متن این بخش تا حد قابل قبولی وفادارانه عمل کرده است.

روزنامه لیبراسیون آورده است:

« ... la suspension de l'enrichissement d'uranium à un taux supérieur à 3,67% (suffisant pour le nucléaire civil, alors que l'usage militaire nécessite un taux de 90%) et la modification de son réacteur à l'eau lourde d'Arak. »

این روزنامه نزدیک به حزب سوسیالیست، در داخل پراگماتیک تأکید کرده که این درصد پایین غنی سازی تنها برای اهداف صلح آمیز کافی می‌باشد، در حالیکه برای دستیابی به اهداف نظامی می‌بایست غنی سازی را به نود درصد رساند؛ اما به جای واژه "نوسازی" از واژه "modification" به معنی "تغییرات" در رابطه با رآکتور اراک استفاده کرده است که این

جانشینی می‌تواند دامنه معنایی گسترده‌تری را متبادر کند و ممکن است این‌طور به مخاطب القاء کند که این تغییرات می‌تواند مسیر فعالیت ایران را عوض کند و در راستای دست یابی به سلاح هسته‌ای باشد.

### نتیجه‌گیری

انسان به‌مثابه موجودی اجتماعی همواره بر القاء احساسات و اندیشه‌های خود در قالب گفت‌وگو و متون تلاش مستمر ورزیده است. هر متن و به‌ویژه متون سیاسی، بر اساس نظامی از متغیرهای فرازبانی نظیر فرهنگ، تاریخ، روابط قدرت، سیاست، قوانین حاکم بر جامعه و محدودیت‌ها شکل می‌گیرد و توسط نویسنده سازماندهی می‌شود. مترجم نیز به‌عنوان بازآفریننده متن از این قاعده مستثنی نیست. در واقع، می‌توان این‌گونه اظهار داشت که گزینش‌های زبانی نویسنده گفت‌وگو مبدأ و مترجم آن در زبان مقصد، به‌نوعی بازتاب دهنده این متغیرهای فرازبانی است و لذا هیچ متنی نمی‌تواند به‌طور کلی عاری از بار ایدئولوژیک باشد و اساساً این ایدئولوژی است که چگونگی استفاده از صورت‌های زبانی را رقم می‌زند. این متغیرها و محدودیت‌ها ممکن است مترجم را به سمت دست‌کاری‌های مختلف زبانی سوق دهند. بدین ترتیب، مترجم می‌تواند به‌منظور خلق مجدد یک اثر، در راستای ترجمه آن، از واژگان و ساختارهای خاصی بهره‌جوید که پیام متن مبدأ را تا حدودی تغییر داده و به نحوی منتقل کند که منویات و نظریات خود را بیش از گوینده یا نویسنده مبدأ به خواننده القا کند. پس گزینش واژه‌ها و ساختارها در اثر هر مترجم از یک الگوی فکری و هدف ایدئولوژیکی پیروی می‌نماید و می‌توان چنین ادعا نمود که فرآیند ترجمه بازتولیدی وفادارانه نیست، بلکه انتخاب، تولید و گردآوری آگاهانه و سنجیده‌ای است که گاهی حتی با ایجاد تغییرات زبانی و بکارگیری راهبردهای زیرکانه، از انتقال بخشی از اطلاعات و برخی مفاهیم پرهیز کرده و یا واقعیت را دچار تحریف می‌نماید. بدین ترتیب، پیام گفت‌وگو مبدأ می‌تواند تابع ایدئولوژی مترجم قرار بگیرد.

در عصر حاضر که مردم بیشتر از رهگذر رسانه‌ها و به‌ویژه تلویزیون، اطلاعات به دست می‌آورند و باور سیاسی خود را می‌سازند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۳۷۷)، ارائه گزارش سوگیرانه،

نادرست و دروغ به مردم، از طرفی منجر به ایجاد باور سیاسی کاذب شده و در روزگاری که از روی شتاب و جهانگیری روند جا به جایی اطلاعات، روزگار اطلاعات نامیده شده، منافع ملی را به خطر می‌اندازد و از طرف دیگر، مردم را به رسانه‌ها بی‌اعتماد می‌کند؛ زیرا اعتمادسازی مستلزم وجود فاصله نسبی از مواضع سیاسی خاص و رادیکال است. قاعدتاً رسانه‌ها نمی‌بایست طرف کسی را بگیرند، بلکه باید به گزارش دادن اکتفا کنند، چراکه هدف اصلی انتقال اطلاعات است. تحلیل و تفسیر اخبار باید مستند باشد، عقاید باید طبق قواعد باشد و بی‌طرفی یک قاعده است (همان: ۳۷۸-۳۷۹).

اما همان‌گونه که در پژوهش حاضر نشان داده شده، در دنیای امروز هیچ‌یک از این قواعد اجرا نمی‌شوند و رسانه‌ها دستخوش عقاید ایدئولوژیکی سیاستمداران خود می‌گردند و در انتقال اخبار بی‌طرفی را رعایت نمی‌کنند. در این تحقیق با بررسی چند رسانه فرانسه زبان مشاهده شد که اولاً هیچ‌کدام از این رسانه‌ها متن اصلی سخنان دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران را به‌صورت کامل بازتاب نداده‌اند، بلکه بر طبق دیدگاه‌های مدنظر خود بخش‌های کوتاهی از سخنان ایشان را گزینش و ترجمه کرده و به‌صورت نقل قول غیرمستقیم به مخاطب فرانسوی زبان ارائه نموده‌اند. البته این مسئله قابل درک است؛ چراکه ترجمه کامل سخنرانی ایشان از حوصله مخاطب فرانسه زبان خارج بوده و با توجه به محدودیت ساختار رسانه‌های مورد مطالعه امکان پذیر نبوده است؛ اما نکته حائز اهمیت این است که از این سخنان گزیده‌هایی انتخاب و ترجمه شده است که بدون ترجمه جملات قبل و بعد از آن‌ها مفهوم روشن و صریح آن انتقال نمی‌یابد و در نتیجه این احساس به خواننده القاء خواهد شد که ایران کشوری است که نه تنها نمی‌خواهد به تعهدات خود پایبند باشد، بلکه دنیا را هم تهدید می‌کند. دوماً، انتخاب واژگانی مترجمان طبق آنچه توضیح داده شد از رابطه‌های هم‌نشینی و به خصوص جانشینی متأثر گردیده است و این انتخاب به وضوح نشان می‌دهد که نقش ایدئولوژی حاکم بر این رسانه‌ها که نشأت گرفته از ایدئولوژی حاکم بر کشور فرانسه در قبال ایران است، در انتخاب مترادف‌هایی با بار منفی بیشتر نمود پیدا کرده است. در سخنرانی آقای دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، موضوعات بسیار مهمی مطرح شده است که در ترجمه و بازتاب این سخنرانی در رسانه‌های فرانسه زبانی که مورد بررسی قرار گرفتند، فقط



چند موضوع آن هم به طور ناقص ترجمه شده که با توجه به مباحث مطرح شده می توان یکی از دلایل منعکس نشدن آن ها را تفکر ایدئولوژیکی دانست که بر رسانه های فرانسه زبان مستولی است. همچنین، همان طور که ذکر شد محورهایی از سخنان آقای دکتر روحانی هم که ترجمه شده اند نیز دستخوش تغییراتی در بافت زبانی و استفاده از واژه های جانشین شده است که این موضوع باعث گردیده است پیام حقیقی این سخنان به مخاطب فرانسه زبان رسانده نشود و بار دیگر تأثیر ایدئولوژی حاکم بر کشور فرانسه موجب گردیده است که از ایران چهره ای ستیزه جو، نامطمئن و غیر قابل اعتماد به مخاطب فرانسوی القاء گردد.

بنابراین در خصوص نقش و تأثیر ایدئولوژی مترجمان رسانه های فرانسوی در ترجمه این خبر، می توان گفت رسانه های مورد مطالعه که تحت تأثیر ایدئولوژی حاکم بر کشور فرانسه هستند از منظر رویکرد بافت زبانی یعنی واژه گزینی، همشینی و جانیشینی واژه ها به منظور القاء آنچه خود به آن باور دارند به مخاطبان خود از این رویکرد به میزان قابل توجهی بهره برده اند.

#### کتابنامه

- بی یرویش، مانفرد. (۱۳۷۴). *زبان شناسی جدید*. ترجمه محمدرضا باطنی. تهران: آگاه.
- پالمر، فرانک. (۱۳۸۷). *نگاهی تازه به معنا شناسی*. ترجمه کوروش صفوی. تهران: کتاب ماد.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). *درآمدی بر معنا شناسی*. تهران: سوره مهر.
- (۱۳۷۰). *هفت گفتار درباره ترجمه*. تهران: نشر مرکز.
- (۱۳۸۲). *معنی شناسی کاربردی*. تهران: انتشارات همشهری.
- (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی معنا شناسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- صلح جو، علی. (۱۳۷۷). *گفتمان و ترجمه*. تهران: نشر مرکز.
- غضنفری، محمد. (۱۳۸۴). "نگاهی بر چهارچوب تحلیلی بازتاب جهان بینی در ترجمه و مصداق های آن در ترجمه های ادبی". *ادبیات علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. دوره دوم. شماره ۴۱. صص ۲۰۳-۱۸۵.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۹). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت و هویت)*. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: طرح نو.

میر عمادی، سید علی. (۱۳۶۹). *تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان*. تهران: نشر بهارستان.

BALLY, Ch. (1951). *Traité de Stylistique Française*. Genève : Librairie Georg DESTUT DE TRACY, Antoine-Louis-Claude. (1993). *Mémoire sur la faculté de penser*. Paris: Fayard.

DINNEN, F.P. (1967). *Introduction to General Linguistics*. New York: Holt, Reinhart and Winston.

FELLBAUM, C.Ed. (2007). *Collocations and Idioms Corpus-Based Linguistic and Lexicographic Studies*, Birmingham (UK): Continuum Press.

FIRTH, J.R. (1934). *Personality and Language in Society*, in papers in Linguistics. Fourth Printing 1964 Oxford University Press.

FREEDEN, Michael. (1998). "Ideology", in *Routledge encyclopedia of Philosophy*, vol.4, London (UK): Routledge, pp. 681-685.

GRICE, H.P (1975). *Logic and Conversation*, in P.Cole & J.L.Morgan (eds.)

HATIM, Basil and MASON, Ian (1997). *The Translator as Communicator*. London/New York: Routledge.

<https://www.egaliteetreconciliation.fr/>

<https://www.mediapart.fr/>

MALMKYAR, K. (2000). *The Linguistics Encyclopedia*. New York: Routledge.

MARTINET. (1960). *Elements de linguistique générale*. Paris : Armand Colin .

NIDA, E.A. (1964). *The Theory and Practice of Translation*, Leiden: E.J.Brill.

SAMPSON, G. (1980). *Schools of linguistics: Competition and evolution*. London: Hutchinson.

SAUSSURE, Ferdinand de . (1972). *Cours de Linguistique Général*. Paris : Payot

SCHÄFFNER, Christina (1997). "Theory of translatorial action", in *Routledge encyclopedia of translation studies*. Editor / Mona Baker; Gabriela Saldanha. Vol. 1, London (UK): Routledge, pp. 3-5.

SINCLAIR, J.McH. (2004). *Trust the Text: Language, Corpus and Discourse*, London: Routledge.

VAN DIJK, T. A. (2004). *Ideology and discourse: A multidisciplinary introduction*. Barcelona: Pompeu Fabra University.

VENUTI, Lawrence (1995). *The Translator's Invisibility*. London/New York: Routledge.